

زبان آدم

انسان چگونه زبان را ساخت،
زبان چگونه انسان را ساخت

دُرگ بیگرتون / محمد اسخ مهند



This is a persian translation of
*Adam's Tongue:
How Humans Made Language, How Language Made Humans*
by Derek Bickerton
New York, Hill and Wang, 2009
Translated by Mohammad Rasekh Mahand
Āgah Publishing House, Tehran, 2016

سرشناسه: بیکرتون، درک، ۱۹۲۶ م. Bickerton, Derek
عنوان و نام پدیدآور: زبان آدم: انسان چگونه زبان را ساخت، زبان چگونه انسان را ساخت /
درک بیکرتون؛ ترجمه‌ی محمد راسخ مهند.

مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.

شابک: 978-964-329-316-1

وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا.

یادداشت: عنوان اصلی: Adam's tongue: how humans made language,
how language made humans

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: انسان چگونه زبان را ساخت زبان چگونه انسان را ساخت.

موضوع: زبان

موضوع: Language and languages

موضوع: انسان -- تکامل

موضوع: Human evolution

موضوع: زبان -- روان‌شناسی

موضوع: Psycholinguistics

شناسه افزوده: راسخ مهند، محمد، ۱۳۵۲ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲ز۹ب/۶۱۰۶P

رده‌بندی دیویی: ۴۱۰

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۴۰۲۹۶۲



درک بیکرتون

زبان آدم: انسان چگونه زبان را ساخت، زبان چگونه انسان را ساخت

ترجمه‌ی محمد راسخ مهند

چاپ یکم: زمستان ۱۳۹۵؛ آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ دفتر نشر آگه

(ویراستار: محمد نبوی؛ صفحه‌آرا: فرشته آذرباد؛ طراح جلد: محمودرضا لطیفی)

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۱،۱۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشر آگه

خیابان فلسطین، بین انقلاب و بزرگمهر، شماره‌ی ۱/۳۴۰، واحد ۳

تلفن: ۶۶۹۷۴۸۸۴ و ۶۶۴۶۳۱۵۵

ایمیل: info@agahpub.ir

اینستاگرام: @agahpub

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir

قیمت: ۲۲،۰۰۰ تومان

فهرست

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۷	مقدمه
۳۳	۱. بزرگی مشکل
۶۱	۲. اندیشیدن مانند مهندسان
۸۳	۳. میمون‌های انسان‌نمای آوازه‌خواران؟
۱۰۵	۴. میمون‌های انسان‌نمای سخن‌گو؟
۱۲۹	۵. بوم‌نقش‌ها همه چیز نیستند (آن‌ها تنها چیز هستند)
۱۴۹	۶. نیاکان ما در بوم‌نقش خود
۱۷۳	۷. به مورچه نگاه کن، ای تنبل
۱۹۵	۸. انفجار بزرگ
۲۲۳	۹. چالشی از سوی چامسکی
۲۴۹	۱۰. تصمیم خودمان را بگیریم
۲۷۳	۱۱. نهال بلوط از دانه می‌روید
۲۹۷	۱۲. نهال بلوط به درخت بدل می‌شود
۳۱۷	کتاب‌نامه
۳۳۳	نمایه

پیش‌گفتار مترجم

«آن چه رازآمیز است، نه چگونگی وجود جهان، بلکه خود وجود آن است»
(لودویگ ویتگنشتاین^۱)

مهم‌ترین تفاوت ما انسان‌ها با جانوران این است که ما «زبان» داریم و آن‌ها ندارند. البته آن‌ها نیز به طریقی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، اما نمی‌توان وسیله‌ی ارتباطی آن‌ها را هم‌تراز زبان انسان دانست. در مورد زبان انسان، ساختار و ماهیت آن، ویژگی‌های آن، تفاوت زبان‌ها، تغییر زبان‌ها و موارد مرتبط دیگر، پرسش‌های فراوانی مطرح شده و مطالعات بسیاری نیز صورت گرفته است. اما در مطالعه‌ی زبان، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است: زبان انسان چگونه شکل گرفت؟ یا به تعبیر علمی‌تر، زبان انسان چگونه تکامل یافت؟ وقتی صحبت از تکامل زبان^۲ می‌شود، اولین واکنش این است که این پرسشی بسیار سخت و پیچیده است و یافتن پاسخی ساده، قطعی و معقول به آن کار ساده‌ای نیست. شاید به این دلیل است که گاهی این مطالعات جنبه‌ی غیرعلمی و اسطوره‌ای پیدا کرده‌اند، و پاسخ‌ها چندان منطقی نبوده‌اند و پایه‌ی علمی نداشته‌اند. هم‌چنین این بحث فقط به زبان‌شناسان محدود نبوده است، زیست‌شناسان، عصب‌شناسان، روان‌شناسان، باستان‌شناسان، و حتی دانشمندان علوم رایانه نیز

1. Ludwig Wittgenstein, *Treatatus Logico-Philosophicus* (London, 1961), 6-44.

2. Language evolution

به این حیطة علاقه مندند. حوزه‌ی تکامل زبان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای است و نمی‌توان انتظار داشت فقط متخصصان یک رشته بتوانند گره‌ی کور این حوزه را باز کنند. جالب است که بدانیم انجمن زبان‌شناسی فرانسه در سال ۱۸۸۶ هرگونه تحقیق درباره‌ی خاستگاه زبان را ممنوع اعلام کرده بود، چون معتقد بود نتایج حاصله بیش‌تر توهم است تا واقعیت علمی. اما از حدود ۴۰ سال پیش تحقیق در این زمینه رشد چشم‌گیری داشته است و به نظر می‌رسد شواهد متقن و علمی بیش از توهمات حاصل شده است. هرچند هنوز گروهی می‌گویند شواهد و یافته‌ها برای رسیدن به یک نتیجه‌ی علمی مشخص کافی نیست (هاوزر و همکاران، ۲۰۱۴).^۱

بیکرتون در کتاب زبان آدم سعی کرده است نظریه‌ی زبانی را در قالب زیست‌شناسی تکاملی جای دهد. یعنی اگر به بحث تکامل زبان برپایه‌ی زیست‌شناسی می‌پردازد، استدلال‌های خود را براساس ویژگی‌های زبان انسان مطرح می‌کند. بیکرتون زبان‌شناس است و ابتدا شهرت خود را با مطالعه‌ی زبان‌های پیچین یا آمیخته^۲ و کریول یا آمیخته‌ی مادری^۳ به دست آورد. اما مطالعات او در زمینه‌ی زیست‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، فلسفه و عصب‌شناسی به او این امکان را داده است تا به استدلال‌های خود عمق و وسعت بیش‌تری ببخشد. اگرچه کتاب به بحثی تخصصی می‌پردازد و یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین نظریه‌ها را در مورد تکامل زبان مطرح می‌کند، اما طوری نوشته شده است، که در عین ارائه‌ی همه‌ی مطالب به صورت علمی، هر خواننده‌ی علاقه‌مند و غیرمتخصص، به‌سادگی می‌تواند از مطالب آن بهره بگیرد و این نظریه را درک کند.

بیکرتون در این کتاب سعی کرده به برخی از مهم‌ترین پرسش‌ها در مورد تکامل زبان پاسخ دهد. یکی از پرسش‌های مهم این است که اگر هر تحولی را حاصل نیروی طبیعی بدانیم، آن فشار ابتدایی که باعث شد انسان نخستین گام‌ها را به سمت زبان بردارد چه بود؟ به عبارت ساده‌تر چه نیروی انسان را به سمت

1. M. D. Hauser, C. Yang, R. C. Berwick, I. Tattersall, M. J. Ryan, J. Watumull, N. Chomsky, and R. C. Lewontin, (2014). "The mystery of language evolution". *Frontiers in Psychology*, 5: 1-12. 2. pidgin 3. creole

زبان کشاند؟ چه نیازی بود که انسان زبان داشته باشد و چرا زندگی انسان بدون زبان دیگر ممکن نبود؟ چرا سایر جانوران به زبان نیاز ندارند؟

درباره‌ی تکامل، یک نکته را باید به خاطر داشته باشیم. هر تغییری باید دلیلی داشته باشد. باید دلیلی وجود داشته باشد که توضیح دهد چرا زبان شروع شد، چرا تعداد واژه‌ها زیاد شد، و چرا روابط نحوی بین آن‌ها پیچیده‌تر شد. ابتدا دانشمندان عواملی چون شکار جمعی یا ابزارسازی را دلیل شکل‌گیری زبان می‌دانستند؛ اما چون جانوران بسیاری هستند که دسته‌جمعی شکار می‌کنند و ابزارسازی را نیز با تقلید می‌توان به برخی جانوران یاد داد، این دیدگاه‌ها امروز چندان پذیرفته نیست. برخی از محققان تعامل اجتماعی را فشار طبیعی‌ای می‌دانند که به پیدایش زبان انجامید. یعنی نیاز به تعامل اجتماعی (مانند حس برتری جویی در اجتماع) باعث شکل‌گیری زبان شد. اما بیکرتون می‌گوید یک دلیل زیستی محکم برضد نظریه‌ی تعامل اجتماعی وجود دارد. هیچ جانور دیگری، حتا در ابتدایی‌ترین صورت، زبان ندارد. اگر هر سازگاری منحصر به یک گونه است، فشار انتخابی هم باید منحصر به آن گونه باشد؛ در غیر این صورت این سازگاری باید در گونه‌های دیگر نیز دیده شود. به بیان ساده‌تر، چون زبان منحصر به انسان است، عامل یا فشاری که باعث انتخاب آن شده است نیز باید منحصر به انسان باشد. خیلی از نخستی‌ها (به‌خصوص میمون‌های انسان‌نمای بزرگ) دارای هوش و تعامل اجتماعی پیشرفته هستند، اما زبان ندارند. به نظر بیکرتون (۲۰۰۷) نظریه‌های مرتبط با تعامل اجتماعی نمی‌توانند توضیح دهند که چرا میمون‌ها زبان ندارند. البته او یکی از نظریه‌های تعامل اجتماعی را مستثنا می‌کند. این نظریه را دانبار (۱۹۹۶)^۱ مطرح کرده است. وی می‌گوید فشار منحصر به فردی بر روی نیاکان انسان وجود داشته است. چون گروه‌های انسانی به اندازه‌ای رشد کرده بودند که فقط با تیمار کردن، که بخش مهم تعامل نخستی‌هاست، نمی‌توانستند با هم ارتباط برقرار کنند و به همین دلیل با استفاده از زبان به نوعی تیمار و غیبت‌کردن زبانی روی آوردند. در واقع وی اندازه‌ی بزرگ اجتماعات انسانی را دلیل شکل‌گیری زبان می‌داند. البته این نظریه نیز با

1. R.I.M. Dunbar, (1996). *Grooming, Gossip and the Evolution of Language*. London: Faber and Faber.

انتقادهایی روبه‌رو شده است. مثلاً گفته می‌شود دلیلی ندارد که گروه‌های انسانی بزرگ‌تر از گروه‌های میمون‌ها بوده باشند؛ یا میمون‌های بابون^۱ با این‌که گروه‌های بزرگی تشکیل می‌دهند، اما هنوز فاقد زبان هستند. هم‌چنین قابل تصور نیست که، قبل از رشد قابل ملاحظه‌ی زبان، تنها نقش اجتماعی زبان غیبت‌کردن بوده باشد. برای این‌که زبان به فهرست موارد تکامل انسان وارد شود، باید از همان ابتدا کار مهمی برای او انجام دهد، یعنی باید داشتن آن برای انسان مزیت مهمی بوده باشد. احتمالاً تیمار و غیبت‌کردن چندان مزیت مهمی از ابتدا نبوده است.

از نظر بیکرتون^۲ بهترین تبیینی که برای شکل‌گیری زبان می‌توان ارائه کرد باید در ارتباط با ساخت بوم‌نقش^۳ انسان باشد. بوم‌نقش سردارخواری^۴ که انسان‌نماها^۵ دو تا سه میلیون سال پیش تجربه می‌کردند، طوری بود که آن‌ها را مجبور می‌کرد برای انجام کاری یا جست‌وجوی غذایی به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم شوند، اما برای بهره‌مندی از چیزهای مهمی که یافته‌اند دوباره دور هم جمع شوند. این باعث می‌شد که هر گروه فرعی وقتی چیز مهمی پیدا می‌کرد به نوعی بقیه‌ی گروه‌ها را نیز مطلع کند. در چنین موقعیتی، پاره‌گفتارهای تک‌واحدی باعث بقا و حفظ جان انسان‌ها می‌شده است. و در ادامه، چون واژگان تحت کنترل فرهنگی بوده و کنترل زیستی بر آن ناظر نبوده است، دلیلی وجود ندارد که تعداد واژه‌ها بیش‌تر نشود، اما هنوز سازوکاری برای اتصال این واحدهای نمادین به یکدیگر و ساختن واحدهای بزرگ‌تر وجود نداشته است. به عبارتی، واژه‌ها تشکیل شده بودند، اما هنوز نحو به وجود نیامده بود. نکته‌ی مهم این است که احتمالاً واحدهای نمادین در ساختار مفهومی بسیاری از گونه‌ها به صورت بالقوه وجود دارد و ظهور آن‌ها در یک ابزار ارتباطی نیازمند تغییر ژنتیکی یا عصبی خاصی در نیاکان دور ما نبوده است. اگر برخی گونه‌ها (مانند میمون‌ها، دلفین‌ها و طوطی‌های خاکستری آفریقایی) زبان ندارند، به احتمال بسیار به این دلیل است که هیچ عامل یا فشاری نبوده که آن‌ها را مجبور

1. baboon

2. D. Bickerton, (2007) "Language evolution: a brief guide for linguists". *Lingua*, 117: 510-526.

3. Niche construction

4. scavenging

5. homonids

به استفاده از چنین ساختار مفهومی ای کند. به عبارتی، زبان نخستین^۱ حداقلی نمی‌توانسته کاری کند که این جانوران عمر طولانی‌تری داشته باشند یا تولیدمثل بیش‌تری انجام دهند. به این ترتیب، بیکرتون ادعا می‌کند که با این‌که پیدایش نحو احتمالاً مستلزم تغییر جدی مغز انسان بوده است، اما زبان نخستین که فقط واحدهای نمادین داشته، نیازمند چنین چیزی نبوده است.

نگاه تکاملی به پیدایش زبان باعث می‌شود که دو پرسش از هم تفکیک شود: یکی این‌که واژه‌ها چگونه شکل گرفتند؟ و دیگر این‌که نحو چگونه شکل گرفت؟ وجود واژه‌ها و نحو مهم‌ترین تفاوت زبان انسان و ابزار ارتباطی جانوران است، به همین دلیل، نحوه‌ی شکل‌گیری آن‌ها مهم است. دلیلی نداریم که بگوییم پیدایش آن‌ها هم‌زمان بوده است، و دلیلی هم نداریم که بگوییم پیدایش آن‌ها معلول عوامل یکسانی بوده است. دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد واژه‌ها بسیار پیش‌تر از نحو شکل گرفته‌اند و از حیث تبارشناسی بسیار قدیمی‌تر از نحو هستند. همان‌گونه که چشم ضعیف‌تر از نداشتن چشم است، زبانی که هر گفته‌اش فقط یک واژه است نیز بهتر از بی‌زبانی است. به هر حال، در فراگیری زبان کودک، آموزش زبان دوم و شکل‌گیری پیچین یا زبان آمیخته نیز ابتدا یک واژه به جای یک پاره‌گفتار کار می‌رود؛ یعنی ابتدا واژه‌ها شکل می‌گیرند و سپس ارتباط بین آن‌ها به وجود می‌آید. پس می‌توان گفت از حیث شکل‌گیری ابتدایی نیز واژه‌ها بر نحو تقدم داشته‌اند. شاید هیچ‌وقت به‌طور قطعی معلوم نشود که چه زمانی انسان فهمید می‌تواند به‌جای نشانه‌ی اشاره‌ای، یعنی نشانه‌ای که مصداق آن در همان زمان و مکان برای گوینده و شنونده حضور دارد، نشانه‌ی نمادی به کار ببرد؛ یعنی زمانی که مصداق نشانه آن‌جا حضور ندارد، از آن استفاده کند. اما بیکرتون با بررسی شواهد دیرینه‌شناختی نتیجه می‌گیرد که این زبان نخستین احتمالاً حدود نیم تا یک و نیم میلیون سال پیش، از سوی انسان راست‌قامت^۲ به کار رفت.

پرسش دیگری که در بحث تکامل زبان مطرح است این است که آیا زبان از ابزار ارتباطی از پیش موجود شکل گرفت؟ یعنی آیا زبان انسانی شکل تکامل یافته‌تر و بهتر ابزار ارتباطی جانوران است؟ بیکرتون در کتاب خود دلایل

1. protolanguage 2. Homo erectus

بسیاری عنوان می‌کند تا نشان دهد درکل هیچ شباهتی بین زبان انسان و نظام ارتباطی جانوران نیست تا بتوان آن را شکل تکامل یافته‌ی نظام ارتباطی جانوران دانست. حرف اصلی او این است که هرکسی نظریه‌ی تکامل را قبول دارد، باید بپذیرد که زبان نیز تکامل یافته و از وضعیت ساده به حالتی پیچیده رسیده است. اما فاصله‌ی بین زبان انسان و نظام ارتباطی جانوران آن قدر وسیع است که احتمال ندارد زبان انسان ادامه‌ی نظام ارتباطی جانوران باشد. وی می‌گوید طرفداران این نظریه، که او آن را پیوسته‌گرایی^۱ می‌نامد، تاکنون استدلالی جدی برای پیوستگی زبان جانوران و انسان ارائه نکرده‌اند. البته هنوز برخی از دانشمندان خارج از حیطه‌ی زبان‌شناسی بر این باورند که زبان به طور مستقیم از سروصدای نخست‌ی‌ها نشئت گرفته است (هاوزر، ۱۹۹۶)^۲. بیکرتون چند دلیل می‌آورد ثابت کند که چرا زبان نمی‌تواند حاصل پیوستگی مستقیم نظام ارتباطی جانوران باشد: نخست، صداهای جانوران بنیاد غریزی دارند، اما کلمات بنیادی فرهنگی (آموزشی) دارند. دوم، صداهای جانوران همیشه برابر با گزاره‌اند (مثلاً «از قلمرو من برو بیرون»، یا «مواظب باش، دشمن»)، اما کلمات این گونه نیستند. سوم، صداهای جانوران برای پیش‌بینی به کار نمی‌روند، اما پیام انسانی می‌تواند به معنای پیش‌بینی باشد. چهارم، صداهای جانوران اشاره‌ای^۳ هستند، نمادی^۴ نیستند (یعنی به طور مستقیم به چیزی یا اتفاقی در زمان و مکان حاضر اشاره دارند و غیر از آن بی معنی هستند)، در حالی که کلمات نماد هستند و می‌توانند به چیزهایی در زمان و مکانی دور یا حتا به چیزهایی که اصلاً وجود ندارند اشاره کنند. حرف بیکرتون این است که اگر پیوسته‌گرایی درست باشد، طرف‌داران چنین دیدگاهی باید بتوانند توضیح دهند چگونه صداهای جانوران می‌تواند به کلامی تبدیل شود که این ویژگی‌های متفاوت را دارد.

پرسش دیگر در مورد تکامل زبان این است که آیا زبان در یک نقطه از کوره‌ی زمین شروع شد یا در مکان‌های مختلف؟ پاسخ ساده است: فرقی نمی‌کند. اگر از تفاوت‌های ظاهری زبان‌ها بگذریم، آن‌ها شباهت‌های خیلی زیادی به هم دارند.

1. continuism

2. M. D. Hauser, (1996). *The Evolution of Communication*. Cambridge: MIT Press. 3. indexical 4. symbolic

Derek Bickerton

A dam's Tongue:

How Humans Made Language, How Language Made Humans

من با دو هدف این کتاب را می‌نویسم. نخست، خیلی مشتاقام که شما را قانع کنم که زبان کلید انسان بودن است، و بدون فهم چگونگی شکل‌گیری زبان، ما نمی‌توانیم هیچ‌گاه امیدوار باشیم که خودمان را بفهمیم. من این حرف را به این دلیل نمی‌زنم که در چند دهه‌ی گذشته به تکامل زبان اندیشیده‌ام، بلکه کاملاً برعکس. من در چند دهه‌ی گذشته به تکامل زبان اندیشیده‌ام چون معلمین هستیم کلید شناخت انسان در این نکته است. ... استیاقی من برای متقاعد کردن شما به شور و حرارت من برای دانستن و شناختن انسان برمی‌گردد. شور و حرارتی که تمام عمر با من بوده است.

دلیل دوم این است که می‌خواهم عواملی که مطالعه‌ی تکامل زبان را ناممکن کرده‌اند، و این حوزه را به ملغمه‌ای از نظریات متناقض و ادعاهای بی‌اساس و تکرش‌هایی ناسازگار تبدیل کرده‌اند، کنار بگذارم. یکی از این عوامل را قبلاً گفتم: «تعصب نخستین مرکزی» که بسیاری را در این حیطه تحت تاثیر قرار داده و باعث شده است آنها فقط بر پیوستگی زنتیکی ما با میمون‌های انسان‌نمای بزرگ تاکید کنند و تمام تفاوت‌های محیطی و زیست-بومی بین نیاکان ما و آن‌ها را نادیده بگیرند.

(از مقدمه‌ی نویسنده)

ISBN:978-964-329-316-1

